

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی-پژوهشی
سال هفتم-شماره دوم-تابستان 1393-شماره پیاپی 24

بررسی سبکی شعر حسین اسرافیلی
(مجموعه تولد در میدان)
(ص 323-344)

سید مرتضی هاشمی¹، غلامحسین شریفی ولدانی²
یوسف کریمی چمه (نویسنده مسئول)³
تاریخ دریافت مقاله: 1392/7/6
تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

چکیده

شعر معاصر فارسی، جریان‌ات مختلفی را به خود دیده است. برخی از شاعران، گرایش‌های فرمی و زبانی داشته‌اند و برخی نیز به محتوا و مضمون اهمیت داده‌اند. یکی از جریان‌های محتواگرایی شعر معاصر، جریان شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. در واقع این شعر، به واسطه محتوا و مضمون، راه خود را از انواع دیگر جدا کرد. هرچند ناگزیر از حیث زبان و بیان نیز ویژگی‌های خاص خود را نشان داد.

حسین اسرافیلی یکی از شاعران این جریان است. کتاب نخست او تولد در میدان نام دارد و در میانه جنگ (سال 1364) چاپ شد. این کتاب یکی از مهم‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس و در واقع شناسنامه اسرافیلی است.

مقاله حاضر بررسی سبکی اثر یاد شده است که با هدف بررسی خصوصیات و ویژگی‌های آن نوشته شده است.

کلیدواژه‌ها: شعر دفاع مقدس، تولد در میدان، سبک‌شناسی، زبان، نگاه تاریخی.

¹ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. S.M.Hashemi@litr.ui.ac.ir

² استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. gholamhoseinsharifi@yahoo.com

³ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان. ykaramicheme@yahoo.com

1-مقدمه

شعر فارسی در دهه شصت، عمدتاً از جنس شعر مقاومت و پایداری است. جریان شعر مقاومت و پایداری در زبان فارسی از آثار ادبی انقلاب مشروطه آغاز شد. پیش از انقلاب اسلامی و از دهه 30 به بعد، شعر مبارزه و مقاومت اوج گرفت. شاملو، اخوان، کسرائی و... گروه اصلی شاعران مبارز بودند و در طرف دیگر، گروه شاعران چریکی (خسرو گل‌سرخ، سعید سلطان پور، جعفر کوش آبادی و...) قرار داشتند. از اواسط دهه 40 گروه شاعران انقلابی و دینگرا نیز به صف شاعران مقاومت و مبارزه پیوستند. چهره‌هایی مانند: مهرداد اوستا، محمود شاهرخی، حمید سبزواری، طاهره صفارزاده، نصرالله مردانی، احمد عزیزی و علی معلم از نخستین کسانی بودند که شعر انقلاب اسلامی را شکل دادند. این گروه با استفاده از مفاهیم دینی و مذهبی و طرح جامعه آرمانی به جریان شعر متعهد انقلابی قوت بخشیدند. حرکت این گروه تا سالهای اوج‌گیری انقلاب اسلامی که شعرها به بیانیه‌های سیاسی تبدیل شد، ادامه داشت. در سالهای پس از انقلاب، شعر انقلاب اسلامی نیز رفته رفته پر بارتر از قبل گشت. بعد از انقلاب شاعران جوانی رشد و نمو کردند. قیصر امین پور، سعید حسن حسینی و سلمان هراتی از این جمله‌اند که در نوع بیان، تازگی‌هایی را در شعر وارد کردند. اینان به همراه شاعرانی دیگر در حوزه اندیشه و هنر اسلامی، پایه گذار شعر انقلاب شدند. (ده شاعر انقلاب، ص 9)

تعرض عراق به خاک ایران و وقوع جنگ در کمتر از دو سال پس از پیروزی انقلاب، سبب انتقال هیجان و شور سالهای مبارزه علیه حکومت پهلوی به جبهه‌های جنگ و در نتیجه رونق جریان شعر مقاومت و پایداری و به تعبیر خاص آن شعر دفاع مقدس شد. اولین عرصه ظهور شعر دفاع مقدس، جراید و مطبوعات بود که متناسب با نیاز و ظرفیت جامعه، در صفحات شعر خود به اشعار جنگ و مقاومت می‌پرداختند.

شعر دفاع مقدس «به مجموعه سروده‌هایی گفته میشود که درونمایه و موضوع آنها، به مسایل هشت سال جنگ و دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن برگردد با تکیه بر مقدس بودن، که تداعی قلمرو الهی و دینی را بر این نوشته‌ها و سروده‌ها میکند. حال این مجموعه همزمان با جنگ باشد یا پس از آن.» (نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد سوم، ص 15)

یکی از محققین نیز با به کارگیری اصطلاحات «شعر جنگ» و «شعر دفاع مقدس» میان شعر زمان جنگ و پس از آن تفاوت قائل شده است. بر این اساس، سروده‌هایی که حفاصل بین شروع تجاوز دشمن تا پذیرش قطعنامه (598) را در بر میگیرد و درون مایه اصلی آنها تشویق و تکریم دوست و تحقیر و تهدید دشمن و تقویت روحیه مذهبی و ملی برای حفظ وطن و انقلاب است، شعر جنگ نامیده شده است و اشعاری که پس از قطعنامه و بر اساس آگاهی شاعران از

سرشت سیاسی جنگ، خلق شده است، به عنوان شعر دفاع مقدس شناخته شده است. (گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، ص ۱۲)

از خصوصیات شعر دفاع مقدس میتوان به این موارد اشاره کرد: کثرت شاعران، زبان روان و ساده و البته گاهی سهل انگار، بینش مذهبی و انقلابی، کلمات و تعبیر و اسامی جنگی، تصاویر جدید، آمیختگی آثار با شعار و...

شاعر دفاع مقدس، محتوا را بر لفظ و انتقال معنی و مفهوم و پیام را به سخن آرایبی و سخن پردازی ترجیح میدهد. در نتیجه به عناصر زبانی و فرمی شعر کمتر توجه میکند.

در این مقاله، یکی از کتب مهم شعر دفاع مقدس یعنی تولد در میدان اثر حسین اسرافیلی از منظر زبان و محتوا و تخیل بررسی میشود.

2- معرفی تولد در میدان

تولد در میدان، اولین مجموعه شعر حسین اسرافیلی است. چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۶۴ منتشر شد. این مجموعه چهار بخش دارد که شامل اشعار پس از انقلاب، عاشوراییها، از سالهای سکوت و اشعار ترکی میشود. دو بخش این تقسیم بندی (اشعار پس و پیش از انقلاب) شبیه آن چیزی است که در همصدا با حلق اسماعیل وجود دارد. شاید نقش سیدحسن حسینی در چاپ تولد در میدان، موجب این شباهت ساختاری شده است.

در بخش سروده‌های پس از انقلاب، ۲۹ قطع شعر وجود دارد که مضامین آنها عمدتاً حول انقلاب و جنگ می‌چرخد؛ بیعت با امام خمینی (ره)، ستایش بزرگان انقلاب، ستایش دلآوری و ایثار رزمندگان و شهیدان، وصف دگرگونی اوضاع کشور و جز اینها. زبان شاعر در این اشعار، زبانی حماسی و عرفانی است. از مجموع ۲۹ شعر این بخش، ۲۵ شعر در قالبهای کلاسیک و نئوکلاسیک و ۳ شعر (کاروانی همه بارش خورشید، از صحابه باستانی عشق، قامت بلند ایثار و خطابه سبز) در قالب شعر نو سروده شده است. این مسئله نشانگر رویکرد شاعران به شعر سنتی پس از انقلاب است. در بخش دوم (عاشوراییها)، شاعر با زبانی حماسی و عرفانی به توصیف حادثه عظیم عاشورا پرداخته و از منظر شخصیت‌های گوناگون حاضر در کربلا به آن نگریسته است. اشعار این بخش همه در قالبهای کلاسیک و نئوکلاسیک است؛ ۷ رباعی، ۲ چارپاره و ۱ غزل. بخش سوم کتاب با نام از سالهای سکوت، اشعار قبل از انقلاب اسرافیلی را در بر میگیرد. در این بخش، شاعر با استعاره‌های زنجیر، مزرعه خشک، ماندن و گندیدن، مرداب، خفاش، تیر و... از اوضاع و احوال ناپسندانگیز کشور سخن میگوید اما در نهایت امیدوار به رهایی و طلوع سپیده است. تاریخ سرایش اشعار این قسمت، بازه زمانی از فروردین ۱۳۵۳ تا تیر ۱۳۵۶ یعنی اوج سالهای مبارزه را شامل میشود. از مجموع ۸ شعر این بخش، ۶ قطعه شعر نو و ۲ قطعه شعر کلاسیک (غزل و قطعه) است. در بخش پایانی

کتاب، سه شعر ترکی به همراه ترجمه ذکر شده است. اسرافیلی در این اشعار نیز به انقلاب و اسلام و عاشورا پرداخته است.

در اشعار این مجموعه، با زبانی ساده و صریح و برگرفته از ادب کلاسیک و با لحنی حماسی به موضوع جنگ و انقلاب پرداخته شده است. همچون اغلب آثار آن دوران، تکیه شاعر به محتواست و از همین رو، زبان چند لایه و تصاویر مبهم و پیچیده و دور از ذهن در آن دیده نمی‌شود. در تولد در میدان، از قالبهای نو استفاده شده است اما تأکید شاعر بر به کارگیری قالبهای سنتی است. در جدول زیر، بسامد قالبهای شعری در این مجموعه (به جز اشعار ترکی) نشان داده شده است.

مثنوی	غزل	قصیده	رباعی	دوبیتی	چارپاره	قطعه	نیمایی و آزاد
7	15	0	11	0	3	1	10

3- بررسی زبانی

موضوع شعر دفاع مقدس، از یک طرف با سرزمین و ملیت و هویت انسان ایرانی و از طرف دیگر با اسلام و تاریخ و بزرگان آن و همچنین گفتمان انقلاب سر و کار دارد، و همه اینها در فضای جنگی تجربه میشود بنابراین واژگان این شعر نشان موارد فوق را دارد. بسامد واژگانی مثل رستم، سهراب، کاوه، ضحاک و... (که نشان دهنده هویت ایرانی است) و کلماتی همچون عاشورا، حسین، اسماعیل، علی و... (که نشان از هویت اسلامی دارد) و واژه‌هایی مانند خون، تفنگ و... (گفتمان جنگ) در آن دیده میشود.

خصوصیات زبانی اشعار دفاع مقدس نظیر: بسامد بالای واژگان مذهبی، جنگی و انقلابی، لحن حماسی، کهنگی زبان در شعر حسین اسرافیلی نیز دیده میشود. همچنین زبان شعر او نیز اغلب ساده و صریح و بدون پیچیدگی است و از شتابزدگی و سهل انگاری به دور مانده است.

3-1- کلمات مذهبی و عرفانی

اصطلاحاتی و کلماتی نظیر: جهاد، خیمه، عاشورا، کوفه، ابراهیم، اسماعیل، فرات و... و اسامی امامان و بزرگان دینی در سرتاسر شعر وی به چشم می‌خورد.

زان قافله مفهوم منا پیدا بود زان حنجره آیات خدا پیدا بود
از گردش سرها به سر چوبه نی منظومه «والشمس و ضحی» پیدا بود
(تولد در میدان، ص 107)

الفاظ و اصطلاحات عرفانی و صوفیانه و بخصوص رمزهای مربوط به میکده همچون: می، ساغر، ساقی، جام، شراب، و... در شعر وی بسیار است.

فدای گردش دستت که دور ما چو رسید چنان بریز که می تا سماء کشاندمان
(همان، ص 55)

بنیان مذهبی و عرفانی انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) از یک طرف و ایثار و از خودگذشتگی عارفانه و عاشقانه رزمندگان از طرف دیگر و همچنین سابقه و پیشینه ادبیات عرفانی و نمادها و تعبیر آن در زبان فارسی، سبب رواج گفتمان عرفانی در شعر انقلاب و دفاع مقدس شد. دیده این وادی بسی حلاج‌ها دارد این دار و منا معراج‌ها (همان، ص 34)

3-2- کلمات انقلابی و جنگی

زبان یک پدیده اجتماعی است که با تغییر شرایط اجتماعی، تغییر میکند. «از آنجا که جهان و واقعیت همیشه در تغییر است، ساختمان زبان که در توصیف جهان و واقعیت به کار برده میشود، هم باید مدام در تحول باشد... پس دینامیسم واقعیت باید در زبان هم نمایان باشد.» (ساختار زبان شعر امروز، ص 54)

متناسب با تغییر و تحولات اجتماعی در عصر انقلاب و پس از آن دفاع مقدس، زبان اشعار نیز از حیث نوع واژگان و اصطلاحات تغییراتی یافت. کلمات و اصطلاحاتی وضع شد یا تحول معنایی پیدا کرد و برخی واژه‌های فراموش شده هم زنده شد. آمیختگی دوران جنگ و دفاع مقدس با شرایط انقلابی موجب رواج گفتمان انقلاب در ادبیات دفاع مقدس شد.

کلمات و تعبیری همچون: برادر، پاسدار، خون، سرخ، شهید، فتح، جهاد، فجر، منافق و... در شعر دفاع مقدس، بسامد بالایی دارند. واژه‌های سنگر، برادر و پاسدار در شعر «لبیک یا خمینی» (تولد در میدان، ص 18) و همچنین «پاسدار فردا» (همان، ص 73) و کلمات دیگری نظیر خون، سرخ، امت، فجر، منافق، مکتب در شعر اسرافیلی دیده میشود. کدام دست منافق کدام دشمن پیر به حيله در صف یاران کشیده این زنجیر (همان، ص 39)

همچنین واژه‌ها و اصطلاحات جنگی، در شعر وی بسامد بالایی دارد. با قطار فشنگ بر شانه دست هایت تفنگ را ماند (همان، ص 75)

البته اغلب واژه‌های جنگی به کار رفته در شعر وی از نوع اصطلاحات جنگی قدیم همچون: تیغ، تیر، شمشیر، دشنه، خنجر، اسب و باره، کارزار و... است. این مسئله در کل شعر دفاع مقدس نیز نمود دارد. فضای حماسی جنگ، روح حماسی نهفته در این لغات و اصطلاحات، سنتهای ادبی و زبانی و حضور در تعزیه‌ها و ادبیات مذهبی از جمله دلایل رواج اصطلاحات جنگ قدیم در شعر دفاع مقدس است.

مانند خالی از طپش گهواره‌ها بی سوار و غرغه در خون باره ها (همان، ص 66)

کاربرد اینگونه لغات، فقدان عینیت (در زبان و تصویر و توصیف) اشعار مجموعه تولد در میدان را در پی داشته است. اسرافیلی حتی در توصیف شهادت رزمندگان و بزرگان انقلاب نیز از جنگ افزارهای قدیمی استفاده کرده است.

دستی ز نهان بر آمد و تیغ آراست
چون تیغ فرو نشست شیون برخاست
بر بال ملک شدی و رفتی، اما
عمامه خونین تو در باد پیداست
(همان، ص 27)

توصیف مرگ شهید مطهری در رباعی بالا کلی است و واقع گرایانه نیست.

3-3- لحن حماسی

غیر از لغات و اصطلاحات جنگی قدیم، واژه‌هایی نظیر هلا، هماره، باره، دیو، سستیغ و... لحن حماسی اشعار را تقویت کرده است.

هلا روح باران به پیغامتان
کویر عطش، تشنه گامتان
(همان، ص 58)

موضوع و زمینه حماسی شعر دفاع مقدس، سنت ادبی و توجه شاعران به میراث ادب حماسی در پیدایش لحن حماسی در شعر دفاع مقدس، نقش دارد.

هنوز خون سیاوش به طشت توران است
هنوز نعل شهیدان میان میدان است
(همان، ص 40)

توصیفات شاعر نیز رنگ و بوی حماسی دارد:

میخروشد چنانکه رعد به شب
دشت میلرزد از هیاهویش
(همان، ص 104)

شاعر در مواردی نیز برای القای حماسه، حرف اضافه (با) را در معنای (به) به کار برده است:

روح خدا دمیده از قلعه جماران
با باغ تشنه گوئید: آمد سحاب دیگر
(همان، ص 13)

و نمونه دیگر:

تیغ با شیوه پدر بسته ست (همان، ص 104)

اسرافیلی در موارد بسیاری صورت حماسی و کهنه کلمات را به کار برده است. مانند: ستاده (ص 11)، چهر و خصم (ص 24)، فتاده، دلیل و راهبر (ص 37)، خموش (ص 63)، ستوار (ص 67)، حصار (ص 73) و شحنه و گزمه و چموش و سمند و لگام و...

تلفیق حماسه و عرفان، خصوصیت دیگر شعر او (و دفاع مقدس) است:

چون به نام عشق ما دفتر زدند از شهادت مهر خونش بر زدند
هم از آن مهر است این شیرازه سرخ راه سرخ و باره و دروازه سرخ
(همان، ص 33)

3-4- کاربرد عناصر طبیعی

در اشعار حماسی، عناصر و پدیده‌های پر هیبت طبیعی مانند: کوه، دریا، آسمان و... حضور پر رنگی دارند. در شعر دفاع مقدس نیز، عناصر طبیعی بسیاری دیده میشود.

بسته قامت به قامتش خورشید/ آمده از فراز آگاهی/ تکیه داده به بال رنگی نور/.../ آذرخش
کبود خشمش را/ می‌نماید رها، رها در کوه/ در دل صخره‌ها سرازیر است... (همان، ص 9)
کاربرد عناصر طبیعی در این اشعار، تنها در جهت تقویت روح حماسی شعر نیست بلکه نگرش عرفانی شاعران نیز در این زمینه دخیل است. در تصویر سازی، برخی واژگان چون: گل، لاله، سرو و... نماینده و سمبل شهید و شهادت هستند و جنگل و باغ، اشاره به کشور دارند.
بادها زوزه کشان/ تیغ در دست و حرامی گونه/ خواب را در صدف آبی باغ/ در شب زشت/
پریشان میگرد (همان، ص 19)

البته عناصر طبیعی در شعر هیچ یک از شاعران انقلاب و دفاع مقدس به اندازه سلمان هراتی، زنده و پویا نیست. در شعر بسیاری از این شاعران، پدیده های طبیعی به صورت تکراری در مقابل هم قرار گرفته‌اند تا شاعر مفهوم و محتوای موردنظر خود را بیان کند.

3-5- واژه های مورد علاقه شاعر

هر شاعری، واژگان مورد علاقه خود را دارد. بسامد و کاربرد خاص واژه های دار (ص 18، 23، 27 و...)، مذبح (ص 20، 29 و...) و حرامی (ص 11، 19، 44 و...) نشان میدهد که اسرافیلی به این واژه ها علاقه دارد. چنانکه مثلاً (سر به دار) مورد پسند سیدحسین حسینی است.

3-6- افعال پیشوندی

در متون کهن، افعال پیشوندی کاربرد دارد و پیشوند و پسوند معنی ساز است. در اشعار اسرافیلی که لحن کهن دارند، بسامد فعل پیشوندی درخور توجه است.
ساقی شبی برافروز ما را شراب دیگر از می‌کده برآید تا آفتاب دیگر
(همان، ص 13)

و افعالی نظیر: درخفتند (ص 27)، فروریخت (ص 26)، فرا افراشته (ص 35)، فروپچید (ص 63)، فرا افراشتیم (ص 69) و... در شعر او دیده میشود.

3-7- صیغه‌های جمع در افعال و ضمائر

ضمیر جمع در شعر جنگ بسیار به کار رفته است (بررسی موضوعات، مضامین و قالبهای شعر جنگ، ص 120) در شعر اسرافیلی نیز به جهت همدلی و وحدت که نتیجه روحیه دینی است افعال و ضمائر جمع بسیار است.

تیغ سحر با خود نشان از کربلا داشت آواز غربت بود اما بوی ما داشت
(همان، ص 25)

و نمونه زیر:

برده ایم از جاده شمشیر و خون بار خود بر دوش در طول قرون
(همان، ص 35)

3-8- افعال امری و ترغیبی

شعر دفاع مقدس، شعری کارکردگراست و به دنبال تهییج و ترغیب و تشویق مردم و رزمندگان است. بنابراین لحن خطابی و افعال امری در آن جلوه بسیار دارد:

خیز قامت به قامتش بندیم (همان، ص 10)

و نمونه دیگر:

برخیز ای برادر، بانگی دگر درافکن با خیل پاسداران: لیک یا خمینی
(همان، ص 18)

3-9- کاربرد (ز) به جای (از)

یکی از خصوصیات زبانی شعر اسرافیلی، بسامد بالای استفاده از (ز) است.

این امانت را ز معبرهای تنگ گه به دندان برده‌ایم و گه به چنگ
(همان، ص 35)

بلم ز ورطه خون میکند گذر اینجا عمیق زخم نفاق است در جگر اینجا
(همان، ص 47)

3-10- ترکیب سازی

یکی از راه‌های زنده نگه داشتن زبان، خلق و اضافه کردن ترکیبات و کلمات جدید است.

ترکیب سازی، شاعران را در دستیابی به تنوع بیانی و زبانی یاری می‌رساند.

شب، شحنه‌ها تندیس وحشت ساز بودند خفاش های خوف در پرواز بودند
(همان، ص 23)

ترکیبات زبانی، مشخص کننده زبان هر دوره است و سبک‌های شعری را از همین راه

میتوان از هم متمایز کرد. در میان شاعران انقلاب و دفاع مقدس، احمد عزیزی و نصرالله مردانی بیش از سایرین، ترکیب سازی کرده اند.

در شعر این دوره، کلمات حماسی در کنار عناصری از زبان عرفانی قرار گرفته است. موضوعی که در پیشینه شعر حماسی زبان فارسی مشاهده نمیشود.

کربلا دیدیم و در میدان تولد یافتیم هم شهادتگاه ما معراج داری دیگر است (تولد در میدان، ص 42)

همچنین ترکیباتی با مایه مذهبی نظیر: آیه نور، مصحف قلب، سجاده خون رنگ چمن، گل تکبیر، بسیط رویش ایمان و ترکیبات دیگر همچون: روح سبز باران، سمند خطر، تبر کینه، گفتار نفاق در شعر اسرافیلی به کار رفته است.

3-11- تأثیرپذیری از لحن شاعران دیگر

اسرافیلی در شعر «خطابه سبز» که برای میرزا سروده شده، از لحن سیدحسن حسینی در اشعار مشابه او تأثیر پذیرفته است. همچنین لحن شعر سپید او بخصوص در شعر «کاروانی همه بارش خورشید» بی تأثیر از لحن اعتراضی و نمادگرایی شاملو نیست. گاهی نیز لحن نیما در شعر او مشخص است.

ز هولناک کدامین دیار می آئید چو ازدها تن خود بر نفاق می سبایید (همان، ص 37)

در مواردی نیز لحن سعدی و حافظ در شعر دیده میشود:

طاقت هجر ندارم من و این عیبم نیست رفتن جان ز بدن سخت گران است، گران (همان، ص 16)

3-12- تقابلهای دوگانه

ساختارگرایان تقابلهای دوگانه (binary opposition) را از ارکان زبان، شناخت و ارتباط انسانی دانسته‌اند. یاکوبسن میگوید: «تقابلهای دوگانه در ذات زبان نهفته‌اند، دانستن این تقابلهای نخستین کنش زبانی است که کودک می‌آموزد؛ طبیعی‌ترین و خلاصه‌ترین رمزگان است». (دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ص 24)

تقابلهای دوگانه تنها در حوزه ادبیات و زبان نیست و در طبیعت نیز وجود دارد. تقابلهایی نظیر: روز/شب، سرما/گرما، خشکی/دریا و... از این دست است. به گفته اشتراوس، ساختار تفکر بشر ابتدایی بر تقابل استوار است. (مبانی نظریه ادبی، ص 77)

شعر حسین اسرافیلی، شعری است که به بیرون ارجاع میدهد و چون در بیرون، اوج تضاد و تقابل (ایران و عراق یا به تعبیر خاص آن دوران اسلام و کفر، حق و باطل؛ انقلابی و ضد انقلابی) وجود دارد، در شعر وی نیز این تضاد و تقابل به صورتهای گوناگون خود را نشان داده است. تقابل در کلمات و تصاویر و نمادهای شعر و حتی تقابل در ساختار کتاب. به عبارت دیگر تقسیم بندی کتاب، ذهنیت تقابلی شاعر را نشان میدهد؛ سروده‌های پیش از انقلاب پس از انقلاب.

بخشی از تصویرهای شعر دفاع مقدس چه در قالب تشبیه و چه در قالب استعاره و چه دیگر گونه‌های خیال در بستری از تقابل دوگانه قرار دارد. شاعر دفاع مقدس برای ایجاد واکنش دلخواه در مخاطب و ترغیب و تهییج رزمندگان و مردم، از تقابلهای دوگانه استفاده میکند. جلوه اصلی تقابل در شعر اسرافیلی در صنعت طباق و تضاد نشان داده شده است. تقابل سراب و دریا (ص 54)، دریا و مرداب (ص 84)، دریا و کویر (ص 109)، صبح و شب (ص 25)، خورشید و خفاش (ص 77)، آرامش و طوفان (ص 83) بخشی از تقابلهای شعر اوست.

در سطح معنایی و ژرف ساخت اشعار، تقابل وضعیت ایران قبل و بعد از انقلاب در شعر «کاروانی همه بارش خورشید» و «مطلع الفجر» بیان شده است. و نیز تقابل حق و باطل، اسلام و کفر، مظلوم و ظالم و... در شعر او وجود دارد.

3-13- نحو زبان

نحو زبان شعر اسرافیلی بخصوص در مثنوی و چهارپاره با زبان رایج و طبیعی گفتار عصر تا حدود زیادی منطبق است و اگر آن را به نثر بنویسیم تفاوت چندانی نخواهد کرد.

صبح آمد و جنگل سرود سبز سر داد در مزرعه آغاز باران را خبر داد
(همان، ص 25)

اما در مواردی نیز، شعر او از نظر نحوی دچار مشکل است:

باز میخواند کسی در شیهه اسبان مرا منتظر استاده در خون چشم این میدان مرا
(همان، ص 83)

و نمونه زیر:

بلم ز ورطه خون میکند گذر اینجا عمیق زخم نفاق است در جگر اینجا
سوارگان خطر را ز دشنه باکی نیست حماسه میطلبد سینه را سپر اینجا
(همان، ص 47)

همچنین در این بخش باید به بسامد کاربرد فعل در آغاز جمله در شعر اسرافیلی اشاره

کرد:

دیده این دریا بسی طوفان و باد دارد این مسلخ بسی خونها به یاد
(همان، ص 34)

کاربرد فعل آغازین، در بسیاری موارد نشانگر اهمیت فعل و عمل صورت گرفته است و

جنبه تأکیدی دارد:

آمدم ای مأمّن ارواح پاک در تو جان بگیرم ای گلگونه خاک
(همان، ص 65)

3-14- از عنوان تا متن

در جوامع انسانی، نام از اهمیت بسیاری برخوردار است و یکی از مؤلفه‌ها و مشخصه‌های هویتی به شمار می‌آید. در عرصه ادبیات نیز نام اهمیت دارد. نام یک اثر، معرف آن است و فضای فرهنگی و اعتقادی حاکم بر جامعه و نیز اندیشه و فکر صاحب اثر را می‌نماید. عنوان سه نقش متفاوت بر عهده دارد: توضیح، یادآوری و ارزش گذاری.» (بررسی یکی از اشعار پروین اعتصامی بر اساس نظریه‌های ساختاری، ص 58)

عنوان کتاب (تولد در میدان) بسیار پر محتوا و نغز است؛ رزمندگان در میدان نبرد گویی متولد میشوند. همچنین در بخش اشعار پس از انقلاب، بسیاری از عناوین نشان دهنده شرایط انقلابی و مذهبی زمان است. عناوینی همچون: قامت بلند ایثار، خطاب دیگر، لبیک یا خمینی، مطلع الفجر، بیدار دلان، نسل حیدر، بانگ بیداری، غنچه وحی، مناجات سرخ، شهر من خرمشهر، پاسدار فردا و... از این قبیل است.

عناوین اشعار قبل از انقلاب نیز فضای زمان را ترسیم میکنند؛ زنجیر، از سالهای سکوت، تنهایی و... و همچنین عناوین اشعار عاشورایی شاعر بیانگر آن رخداد عظیم است؛ هم تبار قبیلۀ طوفان، کودکان زهرا، والشمس و ضحیها و...

3-15- نقشهای زبانی

یاکوبسن برای هر کنش ارتباطی (زبانی) شش عامل برشمرده است: فرستنده، گیرنده، زمینه، رمز، تماس و پیام. و معتقد است که این شش جزء فرایند ارتباط، تعیین کننده کارکردهای شش گانه زبان (عاطفی، کنشی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی و ادبی) است.

«در کارکرد عاطفی، جهت گیری پیام به سوی گوینده است؛ در کارکرد کنشی (ترغیبی یا انگیزشی) جهت گیری پیام به سوی مخاطب است؛ در کارکرد ارجاعی جهت گیری به سوی موضوع پیام است و انتقال مفاهیم بیشترین اهمیت را دارد.» (از زبان شناسی به ادبیات، ص 31-35).

نقشهای زبان در شعر دفاع مقدس، بیشتر ترغیبی، عاطفی و ارجاعی است. البته در شعر سالهای جنگ، نگاه شاعر معطوف به مخاطب است. استفاده از افعال ترغیبی و امری، قیدهای تأکیدی، تکرار واژگان و در مجموع، تحکم در ساختار معنایی و لفظی در جهت این کارکرد است.

3-16- آسیبهای زبانی

ذهن شاعران تعهدمدار درگیر انتقال معنی به مخاطب است و اغلب این شاعران از آرایه‌ها و پیرایه‌های زبانی غفلت میکنند و در نتیجه شعرشان به شعار میگراید یا اگر شعاری نشود، حداکثر در یک برهه زمانی خاص کارکرد دارد.

عاملی که تا حدی به شعر دفاع مقدس، ساختار بخشیده، موضوع و محتوای آن است. اما غیر حرفه‌ای بودن شاعران از یک طرف و شرایط حساس دوران جنگ - که دل و دماغی برای ظرافتهای ادبی باقی نمیگذاشت - سبب شد تا در بسیاری از اشعار آن زمان، هیچ «حادثه شگفت

انگیزی» رخ ندهد و در سالهای بعد به فراموشی سپرده شوند و در حافظه ادبی زمان، اثری از آنها باقی نماند. البته برخی از این اشعار در زمان خود و به دلیل هیجان و اقتضای خاص دوران جنگ، معروف و مشهور بودند. اما زمان بی رحم است. با گذشت روزگار و تغییر شرایط، آثاری که تنها تکیه‌گاهشان محتوای وابسته به شرایط خاص است و فاقد جنبه‌های تکنیکی و فرمی برجسته‌ای هستند را از میان میبرد.

زبان شعر اسرافیلی نیز در دایره گسترده شعر دفاع مقدس قرار میگیرد و صریح و شعاری و مبتنی بر روابط کلامی ادب کلاسیک است.

3-16-1- کهنگی زبان

زبان در اغلب اشعار سنتی وی ریشه در ادبیت و سنت ادبی دارد. آشنایی شاعر با آثار نظم و نثر گذشته و علاقه به احیای صلابت زبان، مایه‌های حماسی اشعار، نحو سنتی و... زمینه ساز ورود بسیاری از لغات کهنه و قدیمی به شعر او شده است.

جرس به وادی خورشید می‌کشاندمان
چو برده بر سر بازار تا کی؟ یا رب
که اینچنین لب چاووش نور خواندمان
(همان، ص 55)

به پرده‌های نگاهم چو دوست قد آراست
در گردش چشمانت صد خمره شراب اندر
فغان ز مردم چشمم به آسمان برخاست
(همان، ص 53)

در پیچش گیسویت بس سینه به تاب اندر
گاه خفتن به زیر بالین نه
(همان، ص 63)
تیغ را بی نیام و آماده
در خم بویناک هر جاده
(همان، ص 78)

بکارگیری تمام و کمال و بی تغییر زبان تثبیت شده و مشخص شعر کلاسیک، نخ نما شدن صور خیال اشعار را در پی داشته است. زیرا تخیل تازه از زبان تازه مایه میگیرد. رباعی زیر در سوگ شهید مطهری، زبانی کهنه دارد.

دستی ز نهان بر آمد و تیغ آراست
بر بال ملک شدی و رفتی، اما
چون تیغ فرو نشست شیون برخاست
عمامه خونین تو در باد پیداست
(همان، ص 27)

3-16-2- زبان ابزاری

تلقی غالب شاعران دفاع مقدس از زبان، ابزاری بودن آن است و به وجه هنری آن توجه چندانی ندارند. از همین رو شعرشان در درازمدت ناکارآمد خواهد بود. «شعر پهنه و گستره زبان را

پاس میدارد، چرا که مهمترین خطر در فرهنگ امروزی ما گونه‌ای تقلیل زبان است به ارتباط در نازل ترین سطح، یا تبدیل آن به ابزار نظارت ماهرانه بر چیزها و آدمها. زبان که به ابزار تبدیل شود دیگر پیش نخواهد رفت. این ابزاری شدن زبان خطرناک ترین گرایش فرهنگ ماست.» (زندگی در دنیای متن، ص 31)

زبان ابزاری، به شعار تمایل دارد. لذت حاصل از شعار، نتیجه هیجان خواننده و لحن تند شعار است و دوامی ندارد. این لذت با لذت حاصل از کشف ارتباط‌های زبانی متفاوت است. روت ناند/ آنسن در پیشگفتار خود بر زبان و اندیشه نوشته است: «زبان نوعی روند رهایی از فردگرایی مفهوم مدار، منطقی یا استدلالی است. زبان نه تنها برای آن است که بیان کند، ارتباط برقرار سازد، استدلال کند و نتیجه بگیرد، بلکه امکان تجسم را نیز میسر میسازد.» (زبان و اندیشه، ص 3) در حقیقت، تجسم زبان و قدرت تخیل مخاطب است که ارتباط مخاطب و متن را دوام میبخشد و گرنه زبان معنامحور صرف، به محض انتقال معنایی اثر خواهد شد.

توجه بسیار به محتوا و جانبداری و تعصب شاعر، زبان شعر را به سمت شعار سوق میدهد. در شعر لبیک یا خمینی، بسامد واژه‌های جنگی (قدیم و جدید)، گفتمان خاص انقلاب، طنین قافیۀ درونی و تکرار ردیف بلند و غیرخیالی (لبیک یا خمینی)، شعر را شعاری کرده است.

3-16-3- گزارش گونگی

یکی از ویژگی‌های بارز شعر جنگ، روایتگری آن است اما در بسیاری موارد به خصوص در سالهای آغازین جنگ، بیان روایی شاعران، گزارشی میشود و شاعران بدون بهره گیری از تخیل و تصویر هنری صرفاً وقایع جنگ را گزارش میکنند و از زبان و بیان روزنامه‌ای بهره میبرند. شعر کاروانی همه بارش خورشید که به توصیف فضای قبل و بعد از انقلاب میپردازد، استعاره‌های بسیاری دارد. اغلب استعاره‌های این شعر، تکراری و نخ نما هستند. از همین رو، ذهن را بلادرنگ به سمت مفهوم خاص خود هدایت میکنند و تخیل خواننده را کمتر درگیر میکنند. علاوه بر تکراری بودن استعاره‌ها، صفاتی که به این واژه‌ها اضافه شده نیز کاملاً صریح و مستقیم هستند. (بادها زوزه کشان/ تیغ در دست و حرامی گونه؛ صدف آبی باغ؛ شب زشت؛ شحنه‌ها تیغ به دست؛ جنگل سبز و جوان و...)

استعاره‌ها و نمادها و مجازهای آن، در شعر سیاسی و اجتماعی دهه‌های 30 و 40 بسیار به کار رفته است و پس از گذشت 20 سال دیگر رنگ و لعابی ندارد. در نتیجه بیان شعر صریح و گزارشی شده است. همین وضعیت در شعر مطلع الفجر نیز دیده میشود.

نمونه دیگر مربوط به شعر از سالهای سکوت است که استعاره‌ها و نمادهای آن مانند: ماندن، خفاش، بوف، سکوت و... تکراری و مرده‌اند. در این شعر بخصوص دو بند آخر، اثر را گزارشی و بی تأثیر کرده است:

سکوت وحشت را/ صدای تیر شکست/ و خون گرم/ خیابان را زینت شهادت داد/ چه مؤمنانه سخن میگفت/ چه مؤمنانه بخون غلطید(همان، ص 117)

3-16-4-سهل گیری زبانی

عمده‌ترین آفت نزدیکی ادبیات به اجتماع، سطحی نگری در محتوا و سهل انگاری در زبان است. به تماشای تو خلقی شده خورشیدپرست آفتابا تو بگو با تو چه سری ست نهان (همان، ص 15)

4-بررسی ادبی

تصاویر شعری در هر عصر و جامعه‌ای معرف نوع نگاه مردم و شاعران است. شاعران برای بیان اندیشه‌های خویش، از تصویر(صورخیال) بهره می‌برند. در دوره دفاع مقدس، محتوا و مضمون حتی در نحوه بیان شاعران و صور خیال اشعار نیز تاثیرگذار است و مواد خیال شاعران رنگ ایرانی و اسلامی دارد.

شاعران محتواگرا و پیام مدار، به صور خیال و آرایش شعر توجه چندانی ندارند و تصاویر شعرشان، اغلب طبیعی و ناخودآگاه است. تخیل در شعر دفاع مقدس رنگ چندانی ندارد زیرا «واقعیت درشتناک جنگ از خیال شاعران رنگینتر است»(گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، ص 18) البته اغلب گونه‌های متعارف زیبایی شناسی اعم از تشبیه، استعاره، کنایه و... در شعر دفاع مقدس دیده میشود. اما از حیث تازگی و نوآوری جلوه زیادی ندارند.

حسین اسرافیلی نیز خود را در برابر مردم و مسلک و مکتب، متعهد میداند و از همین رو تصویر و زبان را در خدمت محتوا قرار داده است. اما به هر حال از میان انواع آرایه ها، بسامد تشبیه، استعاره، نماد، تلمیح و تضاد در شعر او قابل ملاحظه است. در شعر او، صنایعی که بیان را پیچیده میکند همچون ابهام، ابهام، ایماء و استعاره‌های دور، کمتر به کار رفته است.

4-1-تشبیه

ابتدایی ترین نوع صورخیال است. در این مجموعه، 152 تشبیه به کار رفته است که اغلب از نوع حسی به حسی هستند.

..و علمدار/ همان/ پیر خلف/ پیشاپیش/ همچو کوهی نستوه/ با دو چشمش نگران در باغ/ میخواند سبز... (همان، ص 21)

بسامد تشبیه بلیغ نیز در شعر او بسیار است:

در گردش آهوان چشمت صیاد نگه به ترک‌تازیسست (همان، ص 51)

البته در تشبیهات او تکرار بسیار دیده میشود و این مسئله، موجب ضعف شعر وی شده

است:

به تماشای تو خلقی شده خورشیدپرست
آفتابا تو بگو با تو چه سری ست نهان
(همان، ص 15)

که در آن محبوب از جهت زیبایی به خورشید تشبیه شده است. یا تشبیه اشک به سیل در نمونه زیر:

دیده در سیل نشسته ست از این خانه مرو
به نگاهم بنشین تا بنشیند باران
(همان، ص 16)

4-2- استعاره

در این کتاب، 41 استعاره به کار رفته است که اغلب از نوع استعاره مصرّحه اند. هرچند این واژه‌های استعاری به علت به علت کثرت کاربرد، به نماد تبدیل شده‌اند. استعاره‌های مصرّحه شعر دفاع مقدس، اغلب آشنا و تکراری هستند. جغد، کرکس، گرگ، روباه و شغال تعبیری برای دشمنان و ستاره، آفتاب، کیوتر، شقایق، لاله، پرستو و چکاوک استعاره برای رزمندگان و شهیدان هستند.

شب دشنه ها در قلب گلها آرمیدند
شب بود و شب طوفان وحشت آفریدند
(همان، ص 23)

گاهی نیز استعاره مکنیه به کار رفته است:

در دل صخره ها سرازیر است / نعره سرخ رنگ خشم تفنگ (همان، ص 10)

4-3- تشخیص

تشخیص در این مجموعه، 68 بار به کار رفته و اسرافیلی با بهره گیری از عناصر طبیعی و محیطی، مفاهیم موردنظر خویش را بیان کرده است.

ازدها پشت حریر نفس باغچه ها / اشتهای خونین را / میگسترده (همان، ص 19)

4-4-4- نماد

در اشعار تعهدمدار، شاعر به دنبال تیپ سازی است و از همین رو به نماد رو می آورد تا هم به گروهی از افراد اشاره کند و هم از بیان صریح دوری گزیند. این خصیصه در شعر انقلاب و دفاع مقدس (و از آن جمله شعر حسین اسرافیلی) نیز بارز است. اما اکثر نمادهای این شاعران تکراری هستند. مانند: شب و صبح، بهار و زمستان، دریا و مرداب، و تقابلهایی از این دست و نیز گل، درخت باغ، جنگل و... که در شعر نمادگرایی دهه 30 و 40 به اوج خود رسیده‌اند.

در شعر اسرافیلی نیز 40 بار نماد به کار رفته است:

کجائید ای سروهای بلند
به طوف شما جنگل احرام بند
(همان، ص 58)

و درختان/ چه سرافراز و بلند/ یمن خورشید و /ورود حق را / روی سجاده خون رنگ چمن/ به نماز استادند(همان، ص 22)

4-5-تلمیح

تلمیح از طریق به کارگیری عواطف و عقاید موجود در کار و موقعیتی دیگر، قادر است با کلمات اندک مفاهیم زیادی را انتقال دهد و از این جهت اهمیت دارد. این آرایه در شعر مقاومت یکی از پرسامدترین آرایه‌هاست. محتواگرایی شاعران و روح حماسی حاکم بر شعر جنگ و جذبه‌های مذهبی و آیینی، در گرایش شاعران به تلمیح مؤثر است. در تولد در میدان، 53 تلمیح وجود دارد. این تلمیحات هم تلمیحات تاریخی و اساطیری (سیاوش، شیرین و فرهاد، حلاج) و هم تلمیحات مذهبی و دینی (ابراهیم و اسماعیل و هاجر، مریم، موسی (ع)، هابیل و قابیل، حضرت محمد(ص)، علی (ع) و...) را در بر میگیرد. اما دسته دوم از تلمیحات و اشارات - به مراتب - پرکاربردتر از دسته اول هستند. تو از صحابه میلاد باستانی عشقی/ و منا را به استجابت امر/ آنچنان نجیبانه رهسپار شدی/ که هاجر از دل شفاف آن سوی زمزم/ نگاه خود برداشت(همان، ص 30) و این نمونه:

اسطوره های ننگ را چون بت فرو ریخت خورشید را با جان مشتاقان در آمیخت
(همان، ص 26)

و نمونه زیر که تلمیح، تازگی زبان را در پی داشته است:
چه فتنه ایست چنینم کشیده بر سر کوه که تیشه سرخ شد از شرم دست و پا زدنم
(همان، ص 61)

4-6-تناسب

بسامد تناسب در این دفتر قابل اعتناست. اسرافیلی 90 بار این آرایه را به کار گرفته است و اغلب عناصر طبیعی و حماسی و مذهبی را در کنار هم قرار داده است:
در سینه دریایی تو شورش موجی ست کز مهلکه پیشش گرداب گذشته ست
(همان، ص 72)

4-7-آسیب شناسی

بسیاری از اشعار دفاع مقدس با کمبود خیال مواجه است. شعر آغازین دفاع مقدس، عرصه ابراز هیجانات تند و پرشور و صریح است و شاعر مجالی نمیابد که به تخیلات ژرف شاعرانه روی آورد. به بیان دیگر تلقی و تصور شاعران از شعر که عمدتاً ناظر به رسالت اجتماعی آن بود، عملاً جوهره ادبی اشعار را فدای جوهره انقلابی آنها ساخت. این آسیبها در شعر اسرافیلی نیز دیده میشود.

آنچه امروزه تحت عنوان ابهام شاعرانه مطرح میشود، در صورخیال شعر اسرافیلی مجالی برای بروز ندارد. او شاعریست محتواگرا و پیام مدار که همه دغدغه‌اش، رساندن پیام و مضمون است. از همین رو چندان در بند تصویرسازی نیست.

5- بررسی محتوایی

تحلیل محتوا یکی از شیوه‌هایی است که ضمن استخراج مضامین متن، دیدگاه‌های خاص موجود در آن را آشکار می‌سازد. بدین ترتیب میتوان به نقطه نظرات نویسنده یا گوینده وقوف حاصل کرد. تحلیل محتوا در واقع تبیین چه گفتن است.

شعر انقلاب و دفاع مقدس، ابتدا از حیث محتوا و مضمون، خود را از پیشینه شعر فارسی متمایز کرد. «معمولاً تحول در مفاهیم شعر ساده‌تر از تحول در قالب آن صورت می‌گیرد.» (سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، ص 33)

در واقع، متأثر از مبانی نظری انقلاب که در آموزه‌های متفکران و بزرگان نهضت بود، بازگشت به مذهب و طرح مفاهیمی نظیر شهادت، انتظار، هجرت و اسطوره‌ها و نمادهایی مانند ابوذر، حضرت زینب(س) و زهرا(س) و گفتمان عاشورایی بر شعر انقلاب تأثیر گذاشت.

شعر دفاع مقدس نیز از جهت محوریت فکری و مفهومی زیر سایه مذهب قرار دارد و شاعران آن به مدد فرهنگ و مفاهیم اسلامی و مذهبی و تاریخ اسلام و سیره بزرگان دینی، اشعار خود را می‌سرایند. همچنین یکی از جلوه‌های درخشان شعر دفاع مقدس، مضامین مرتبط با جبهه و جنگ است. وصف جبهه، دلاوری‌های رزمندگان، وطن دوستی، ستایش ایثار رزمندگان و... از مهم ترین مضامین هستند. این موارد در شعر اسرافیلی نیز به چشم می‌خورد.

5-1- عاشورا

بخشی از اشعار تولد در میدان را **عاشوراییها** تشکیل می‌دهند. حماسه حسینی و توصیف شخصیت‌های کربلا در این اشعار محور توجه قرار گرفته اند:

دارد از گرد راه می آید هم تبار قبیلۀ توفان
نامه کوفیان به خورجینش همره شوق بیعت و پیمان
(همان، ص 91)

غیر از بخش عاشوراییها، در خلال اشعار دیگر نیز از گفتمان عاشورا استفاده شده و بر پیوند انقلاب و دفاع مقدس با حادثه کربلا تأکید شده است:

بر جاری زلال «هل من معین» مولا از حنجره جماران آمد جواب دیگر
(همان، ص 14)

«پیوند مجموعه جبهه با فرهنگ عاشورا نه تنها گستره شعارها و شعرها را در بر می‌گیرد که نوعی آرمان و مقصد برای جبهه‌ها میشود؛ پیشانی بندها عنوان «مسافر کربلا» می‌یابند و

تابلونوشته‌ها در جبهه‌ها نیز فاصله تا کربلا را تعیین میکنند و حتی نام جاده‌ها در جبهه نیز از کربلا گرفته میشود.» (نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد دوم، ص 49)

5-2- شهید و شهادت

مفهوم شهادت و وصف شهیدان نیز از مضامین شعر اوست. البته اغلب از ضمائر و شناسه‌های جمع بهره میبرد و کل شهیدان را توصیف میکند.

چشم خونبارتان تبسم داشت غرقه خون در میانه چرخیدید
جانتان با خدا تکلم داشت زخمتان رنگی از تبسم داشت
(همان، 43)

نتیجۀ ایثار رزمندگان و شهیدان را نیز بیان کرده است:
تا به خون در شط ایثار وضو ساخته اید جلوه بر قلۀ خورشید کند مکتبتان
(همان، ص 50)

5-3- وصف بزرگان دینی و انقلابی

بخشی از محتوای شعر اسرافیلی را وصف شخصیت‌های انقلابی (شهید مطهری ص 27)، شهدای هفتم تیر (ص 27)، شهید رجایی و شهید باهنر (ص 33)، شهید چمران (ص 29) و بخصوص امام خمینی) میسازد.

...باری/ترا به کدامین دیار عشق/سوی مذبح اخلاص میبرند/ که دارهای بلند نجابت/ از عطر حلاج و میثم آکنده ست (همان، ص 29)
شاعر، امام را محور وحدت معرفی و رزمندگان را برای مصون ماندن از فتنه‌های دشمنان متوجه این مهم میکند.

ای روح سبز باران لبیک یا خمینی ای شوکت بهاران لبیک یا خمینی
(همان، ص 17)

5-4- توصیف شرایط قبل و بعد انقلاب

در «کاروانی همه بارش خورشید» و «مطلع الفجر» و برخی اشعار دیگر، شرایط قبل و بعد از انقلاب توصیف و مقایسه شده است:

بادهای زوزه کشان/ تیغ در دست و حرامی گونه/ خواب را در صدف آبی باغ/ در شب زشت/ پریشان میکرد/.../ با فلق آمد و خوش خواند بشیر/ کاروانی همه بارش خورشید/ دارد از گردنه می آید و میپاشد نور... (همان، ص 19-22)

5-5- وطن

وطن دوستی، یکی از مضامین مهم است که با صبغه ای دینی و انقلابی در شعر دفاع مقدس به آن پرداخته شده است. عشق به وطن و میهن و توصیف شکوهمندی و استواری و عظمت آن، توصیف شهرهای اشغال و ویران شده که گاهی با بیانی تحسّرآمیز و غمگینانه همراه است. شاعر گاهی وطن را وصف کرده است:

در ابرها خاک سترون آب میخواست
از پنجره چشم وطن مهتاب میخواست
(همان، ص 24)

در مثنوی «شهر من، خرمشهر»، خرمشهر مجاز از ایران تواند بود:
از هجوم زخم چنگیز و تترار در کبودای تن تو یادگار
(همان، ص 66)

وصف خرابیها و ویرانیها جنگ نیز در این شعر دیده میشود:
تل خاک تو نشان از خانه هاست بازوانت زخمی بیگانه هاست
...مانده خالی از طپش گهواره ها بی سوار و غرقه در خون باره ها
...خانه و کاشانه گر تاراج شد کوچه هایت شاهد معراج شد
(همان، ص 66 و 67)

5-6- معارضه با منافقین

در برخی اشعار این مجموعه مانند: «انکار آفتاب» و «تصویر»، شاعر به منافقین تاخته است:

کدام شحنه پناه نفاق و ننگ شماسست
کدام دلکی امیدوار جنگ شماسست
(همان، ص 38)

5-7- نگاه تاریخی

یکی از برجستگیهای محتوایی شعر انقلاب و دفاع مقدس، ذهنیت تاریخی و تاریخی نگری به موضوع تقابل و نبرد حق و باطل و مظلومیت مظلومان است. در واقع این شاعران، مبارزه با ظلم را در جریان تاریخی میبینند که دیروز بوده و امروز ادامه دارد و فردا نیز خواهد بود. این مقوله در شعر علی معلم بیش از سایرین جلوه دارد.

حسین اسرافیلی نیز نگاهی تاریخی دارد و نبرد حق و باطل و ظالم و مظلوم را از زمان هابیل و قابیل، حضرت ابراهیم و حضرت نوح و... پی میگیرد و به عصر پیامبر و علی (ع) و صحرای کربلا میرساند و امتداد آن را در نهضت جنگل و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس میبیند:
جنگل هنوز بوی تو را دارد/بوی شقیقه‌های سرخ شهادت/جنگل هنوز بوی تفنگت را/در ازدحام مه/در باد و حادثه میجوید/جنگل صدای تیر تو را در گنجگاه باد/با صخره‌های پر خزه میگوید/جنگل بهار را/با نام سرفراز تو/آغاز میکند/نامت ابر طاق نصرت جنگل نشسته است (همان، ص 44)

بسامد بالای کلماتی مانند: تبار، قوم، عشیره، قبیله، صحابه، هنوز، باز و پرچم در شعر اسرافیلی و نیز تلمیحات فراوان، حاصل نگاه تاریخی وی است. این سوار از تبار ابراهیم/.../ در خروش بلند حنجره اش/ خشم صدها تبار خون پیداست/ میکند سایه بان چشمش، دست/ دستهایی که از عشیره ماست (همان، ص 10 و 11)

5-8- آسیبهای محتوایی

شعاری بودن مضامین و بیان سراسر است و مستقیم محتوا، آسیبهای محتوایی شعر او را تشکیل می‌دهند. البته این آسیبها در شعر دفاع مقدس - همچون اشعار پایداری جهان - بسامد بالایی دارد و علت آن هم شرایط خاص زمان، سرعت وقوع حوادث، شتابزدگی و در مواردی نیز غیر حرفه ای بودن شاعران است.

مشکل دیگر شعر اسرافیلی در این حوزه، نارسایی معنا در برخی ابیات است.

خون ما خود پشتوانهٔ پرچم است پرچم این عشق را نتوان شکست
(همان، ص 35)

که «پرچم شکستن» معنایی ندارد. مصراع دوم بیت زیر نیز معنایی روشنی ندارد:

ز هولناک کدامین دیار می آئید چو ازدها تن خود بر نفاق میسایید
(همان، ص 37)

6-نقاط قوت

در این قسمت، برخی نقاط برجسته کتاب مطرح می‌شود اگرچه در خلال مباحث پیشین نیز تا حدی این موارد گفته شد. زبان در شعر اسرافیلی با محتوا در تناسب است. بسامد واژگان جنگی و انقلابی و مذهبی در اشعار او بالاست. همچنین لحن حماسی و عرفانی در شعر او بخصوص در اشعار پس از انقلاب وی قابل توجه است. اگر شاعران را به دو گروه ترکیب ساز و تصویرساز تقسیم بندی کنند، اسرافیلی به شاعران ترکیب ساز متمایل است. نکتهٔ برجسته دیگر در بخش زبان، بسامد بالای تقابلهای دوگانه است که هم با نوع نگاه و ذهنیت شاعر در ارتباط است و همچنین در تصویرسازی اشعار به کمک شاعر آمده است.

اما برجستگی اصلی شعر اسرافیلی از حیث محتواست. در این زمینه او با نگاهی تاریخی به وقایع و حوادث نگریسته است. توصیف شرایط انقلابی و جنگی، ستایش شهیدان و رزمندگان، ستایش و سوگسود بزرگان انقلاب، وصف دلاوریها و حماسه آفرینیها، پیوند انقلاب اسلامی با عاشورا، تقابل تاریخی حق و باطل (=خیر و شر، اسلام و کفر) و... مضمون و محتوای اشعار را تشکیل می‌دهد. اسرافیلی با تکیه بر عاطفه، شعر میسراید. عاطفه صمیمی و پر تپش و انقلابی اشعار، مخاطب را به سوی خود میکشاند.

اسرافیلی نیز همچون دیگر شاعران زمان، چندان به صور خیال توجه ندارد و تصاویر شعرش، اغلب ساده و بی پیرایه است. از میان انواع صور خیال، بسامد تلمیح و تشبیه قابل توجه است. از لحاظ قالبهای شعری، توجه خاص اسرافیلی به قالب چارپاره را باید مطرح کرد. چارپاره های او با زبانی روایی و لحنی صمیمیو ساده و صادق، مهمترین دغدغه ها و آرمانهای شاعر را در خود جای داده‌اند.

نتیجه گیری

مجموعه تولد در میدان، اولین اثر حسین اسرافیلی و از نخستین دفاتر شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. در این اثر قالبهای مختلف شعری به کار رفته است اما همچون اکثر آثار زمان خود، به قالبهای سنتی تکیه کرده است.

بررسی سبکی این مجموعه نشان میدهد که اقتضائات زمان در زبان اشعار تأثیر گذارده است. بسامد کلمات و اصطلاحات مذهبی و انقلابی و جنگی و لحن حماسی در این مجموعه بالاست. البته اغلب اصطلاحات جنگی، مربوط به نبردهای سنتی و کلاسیک است. بسامد ترکیب سازی و تقابلهای دوگانه در کتاب، قابل توجه است. نحو زبان، در بیشتر موارد ساده و طبیعی است. شاعر در این مجموعه از آرایشهای زبانی دوری کرده و نگاهش به زبان، نگاه ابزاری است. از همین رو، زبان شعر به شعار بسیار نزدیک است. آسیبهای دیگری نظیر کهنگی زبان، آسانگیری و شتابزدگی نیز در اشعار دیده میشود.

از نظر ادبی، شاعران این عصر به دلیل فضای خاص زمان و هیجانات تند و پرشور، به خیال توجه ندارند. اسرافیلی به تصاویر پیچیده و دور از ذهن تمایل ندارد و گونه های زیباشناسی به کار رفته در اشعار، ساده و طبیعی و سر راست هستند. بسامد تشبیه (اغلب حسی به حسی و تشبیه بلیغ)، استعاره (اغلب مصرحه)، تشخیص، نماد (اغلب نمادهای تکراری)، تلمیح (بخصوص تلمیحات دینی)، و تناسب و تضاد در اشعار فراوان است.

از نظر محتوا، ذهنیت تاریخی شاعر و نگرش او به تقابل تاریخی حق و باطل بر کتاب سایه افکنده است. محتوای شعر او گرد دین و انقلاب میچرخد. عاشورا و پیوند جبهه و کربلا، وصف بزرگان انقلاب، ستایش شهدا و رزمندگان، توصیف شرایط قبل و بعد انقلاب، وطن دوستی از مضامین اشعار اوست.

منابع

1. اسرافیلی، حسین (1364)، تولد در میدان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
2. برتنس، هانس (1383)، مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی، اول.
3. بصیری، محمدصادق (1388)، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، جلد اول، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان، اول.

4. چامسکی، نوام (1384)، زبان و اندیشه، ترجمه کورش صفوی، در تهران: هرمس، دوم.
5. حسینی، سید حسن (1381)، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
6. ریکور، پل (1386)، زندگی در دنیای متن، ترجمه بابک احمدی، تهران: مرکز، پنجم.
7. ریما مکاریک، ایرنا (1384)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، اول.
8. سنگری، محمدرضا (1380)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد دوم، تهران: پالیزان.
9. صفوی، کورش (1373)، از زبان شناسی به ادبیات، جلد اول، تهران: چشمه، اول.
10. علی پور، مصطفی (1380)، ساختار زبان شعر امروز، تهران: فردوس، دوم.
11. فیاض منش، پرند (1381 بهار و تابستان)، «بررسی موضوعات، مضامین و قالبهای شعر جنگ»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره اول، صص 113-128.
12. قویمی، مهوش (1386)، «بررسی یکی از اشعار پروین اعتصامی بر اساس نظریه‌های ساختاری»، مجله پژوهش زبانهای خارجی، شماره 38، صص 57-68.
13. کاظمی، محمدکاظم (1390)، ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر.

Archive of SID